

چکیده

معمولاً، زمانی که افتراق مکانی مطرح می‌شود، مفهوم ناحیه در ذهن جغرافی‌دانان تداعی می‌گردد. ناحیه به معنای روابط و پیوند داخلی و خارجی بین پدیده‌هایی است که در یک حوزه جغرافیایی ظاهر می‌شوند و به آن توازن و تجانس می‌بخشند و تفاوت‌های آن حوزه جغرافیایی را با حوزه‌های مجاور مشخص می‌کنند. در این کتاب، با عنوان *جغرافیای ناحیه‌ای جنوب شرق ایران با تأکید بر سیستان و بلوچستان*، کارکردهای جغرافیایی بخشی از فضای سرزمین ایران در جنوب شرق کشورمان معرفی و عمدتاً به شناساندن وضع موجود کارکردهای طبیعی، قلمروهای مکانی، جغرافیای انسانی - اجتماعی، کارکردهای فرهنگی و، نهایتاً، جغرافیای حمل‌ونقل در سیستان و بلوچستان پرداخته شده است و تحلیلهای بعدی و بهره‌گیری از این یافته‌ها برای برنامه‌ریزی و سامان‌دهی فضایی - مکانی این سرزمین، در هر یک از فضاها جغرافیایی این ناحیه، با توجه به توانمندیها و محدودیتهای محیطی آن، مکمل این نوشتار است که، با توجه به حجم زیاد مطالب، مؤلف این بخش از رهیافتهای در قالب کتابی مستقل، با نام *آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی محیطی در جنوب شرق ایران*، در آورده که مؤسسه اطلاعات آن را در سال ۱۳۸۹ منتشر کرده است. به عبارت دیگر، آنچه در این کتاب آمده برای شناخت جغرافیایی کارکردهای طبیعی و انسانی سیستان و بلوچستان است که عمدتاً به بررسی و معرفی بنیانهای جغرافیایی این ناحیه از جنوب شرق ایران می‌پردازد که مطالعه دقیق آن شناخت نسبتاً عمیق، دقیق و علمی به دانشجویان و کلیه علاقه‌مندان به استان سیستان و بلوچستان می‌دهد. مطالب این کتاب در نه فصل سازمان‌دهی شده که عبارت است از: فصل اول: جغرافیای ناحیه‌ای، تعاریف، مفاهیم و کارکردهای آن؛ فصل دوم: موقعیت جغرافیایی

و وضعیت آب‌وهوایی سیستان و بلوچستان؛ فصل سوم: وضعیت زمین‌شناسی، خاک و قابلیت‌های اراضی سیستان و بلوچستان؛ فصل چهارم: وضعیت منابع آب و حوضه‌های آبریز سیستان و بلوچستان؛ فصل پنجم: وضعیت پوشش گیاهی و حیات وحش سیستان و بلوچستان؛ فصل ششم: جغرافیای تاریخی سیستان و بلوچستان؛ فصل هفتم: مدنیت و شهرنشینی در سیستان و بلوچستان؛ فصل هشتم: مشخصات جمعیتی سیستان و بلوچستان؛ فصل نهم: راههای ارتباطی و حمل‌ونقل در سیستان و بلوچستان.

مقدمه

معمولاً زمانی که افتراق مکانی مطرح می‌شود، مفهوم ناحیه در ذهن جغرافی‌دانان تداعی می‌گردد. ناحیه به معنای روابط و پیوند داخلی و خارجی بین پدیده‌هایی است که در یک حوزه جغرافیایی ظاهر می‌شوند و به آن توازن و تجانس می‌بخشند و تفاوت‌های آن حوزه را با حوزه‌های مجاور مشخص می‌کنند. اما، اینکه اصولاً جغرافیا چیست و حوزه عملکرد و قلمرو آن تا کجاست، پرسشی بنیادی درباره این علم و ماهیت کارکردی آن به شمار می‌رود. پس از شناخت این مفهوم کلی (جغرافیا) است که مفهوم جغرافیای ناحیه و کارکردهای آن، به روشنی، مشخص می‌شود. در پاسخ به این پرسش اساسی، دو برداشت یا پاسخ وجود دارد که یکی عمومی و دیگری تخصصی است. شناخت و دانش عمومی درباره جغرافیا، متأسفانه، بسیار سطحی و مبهم است، زیرا، معمولاً، شناخت و اطلاعات جغرافیایی فرزندان ما از دوره‌های دبستان، راهنمایی و حتی دبیرستان به حفظ اسامی رودخانه‌ها، شهرها، کوهها و غیره محدود می‌شود و هنوز بسیاری از مردم گمان می‌کنند که جغرافی‌دانان باید انبوهی از اطلاعات جمعیتی کشورها، نام شهرها و پایتختها، بلندترین قله‌ها، مرتفع‌ترین کوهها، طولانی‌ترین رودخانه‌ها و مانند اینها را بدانند یا جای آنها را روی نقشه تشخیص دهند. هرچند این برداشتهای عامیانه از ماهیت جغرافیا بخشی از واقعیت این علم را دربرمی‌گیرد، اما این تمام واقعیت نیست. پاسخ دوم به پرسش مذکور پاسخی علمی و دقیق است. بدین معنی که جغرافی‌دانان با نگاه عالمانه به علم جغرافیا و شناخت کلیه منابع طبیعی و انسانی سطحی، زیرسطحی و فضایی در نواحی مختلف جغرافیایی در جهت بررسی و شناخت تأثیرات متقابل این منابع گام برمی‌دارند، سپس، با این شناخت، رهیافتهایی را برای سامان‌دهی

فضاهای جغرافیایی و تعادل بخشی به کار کردها و قلمروهای آن جستجو می‌کنند. البته در این مسیر جغرافی دان هیچ‌گاه خود را از دانش سایر رشته‌های نزدیک به جغرافیا، اعم از طبیعی و انسانی، مانند زمین‌شناسی، معدن، نقشه‌برداری، آمار، هواشناسی، هیدرولوژی، جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی، شهرسازی، کشاورزی، اقتصاد، معماری و غیره، بی‌نیاز نمی‌داند و، در واقع، بسیاری از مصالح و مطالب تخصصی را از این رشته‌ها می‌گیرد، لیکن، جغرافی دان یافته‌های منفرد این علوم را تحلیل و ترکیب می‌کند و، در نهایت، «دانشی نو» ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر، تأثیر متقابل میان یافته‌های هر یک از این علوم و نهایتاً نقش انسان در چگونگی بهره‌گیری از فضاهای جغرافیایی جغرافی دان را بر آن می‌دارد که با تلفیق یافته‌های مختلف، این فضای سرزمینی را دگرگون سازد و شناختی نو خلق کند، یعنی با تجزیه و تحلیل یافته‌های هر یک از این علوم و تأثیرات متقابل آنها بر یکدیگر و بر محیط طبیعی و انسانی در هر یک از فضاهای جغرافیایی ترکیبی نو ارائه می‌دهد که حاصل ریزینی و تیزینی در تمامی ابعاد، کار کردها و آثار فضایی - مکانی است که می‌تواند به سامان‌دهی و مدیریت مجدد فضای جغرافیایی و نهایتاً، توسعه در آن ناحیه جغرافیایی منجر شود.

در واقع می‌توان گفت، هر چند جغرافیا قلمروهای مشترکی با سایر علوم دارد، اما خود، هیچ‌یک از آن علوم نیست، در عین حال همه آن علوم نیز است، اما در قالبی نو، که حاصل بهره‌گیری از تمامی یافته‌ها و شناخت جامع فضاهای جغرافیایی و سرزمینی است، ظاهر می‌شود. به عبارت دیگر، جغرافیا علمی است ترکیبی و در عین حال میان‌رشته‌ای که به شناخت و تبیین کارکردهای طبیعی و انسانی در فضاهای سرزمینی می‌پردازد. در واقع، با توجه به دیدگاه اکولوژیک می‌توان گفت که جغرافیا علمی است که در آن چگونگی تأثیرپذیری انسان از محیط زیست و فضاهای پیرامونی آن و، در عین حال، چگونگی تأثیرگذاری انسان بر محیط طبیعی و نواحی سرزمینی که در آن زندگی می‌کند تجزیه و تحلیل می‌شود. بر مبنای این نظریه، جغرافیا با مشاهده محیط شروع می‌شود و با شناخت ابعاد کارکردی فضاهای

سرزمینی تداوم می‌یابد. این مهم چنان در دیدگاه جغرافی‌دانان اهمیت دارد که گاهی جغرافیا را «علم مشاهده» و گاهی «علم فضا» می‌دانند، چنانکه شناخت چشم‌اندازهای جغرافیایی با ابعاد فضایی - مکانی آن، که متأثر از کارکردهای متقابل انسان و محیط است، مهم‌ترین رهیافت جغرافی‌دانان است که روابط متقابل کارکردهای انسانی و طبیعی را براساس این شناخت کشف می‌کنند و سپس با شناخت وضع موجود فضاهای جغرافیایی و سنجش آنها با معیارها و سنججه‌های علمی‌ای که برای هر یک از این کارکردها وجود دارد فعالیتها و کارکردهای متناسب و نامتناسب با ضرورتها و نیازهای موجود در فضاهای سرزمینی را تشخیص می‌دهند. پس از این مرحله، آنان به طراحی و ارائه راهبردهای چشم‌انداز وضع مطلوب فعالیتها در فضای جغرافیایی مورد مطالعه می‌پردازند. این رویکرد به جغرافیا، که از آن با عنوان «جغرافیای نو» یاد می‌شود، در واقع، علم مدیریت و سامان‌دهی فضاهای سرزمینی و توسعه همه‌جانبه است و می‌تواند در زندگی انسانی - اجتماعی، در فضاهای مختلف جغرافیایی، رهگشا باشد و، در واقع، قلمرو جغرافیای نو، آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی محیطی است.

در این کتاب، کارکردهای جغرافیایی بخشی از فضای سرزمینی ایران را معرفی کرده‌ایم. هرچند در تقسیمات ناحیه‌ای کشور می‌توان ناحیه جنوب شرق را شامل محدوده جغرافیایی سیستان و بلوچستان، قسمتهایی از خراسان جنوبی، کرمان و هرمزگان دانست، در این نوشتار صرفاً به استان سیستان و بلوچستان اکتفا شده است، زیرا اولاً، آمار و اطلاعات تفکیکی آن قسمتهایی از استانهای همجوار که می‌توانست در این کتاب بررسی شود وجود ندارد، ثانیاً، کارکردهای طبیعی و انسانی سیستان و بلوچستان نسبت به استانهای مجاور همگراتر و، در نتیجه، تحلیلها گویاتر و واقعی‌تر است. نکته مهم دیگر این است که آنچه در این کتاب آمده است ضرورتاً تحلیل ماهیت و قلمرو جغرافیایی جنوب شرق ایران و برنامه‌ریزی تمام و کمال توسعه آن نیست بلکه، عمدتاً، شناساندن وضع موجود کارکردهای طبیعی، قلمروهای مکانی، جغرافیای انسانی - اجتماعی، کارکردهای فرهنگی و، در نهایت،

جغرافیای حمل و نقل استان سیستان و بلوچستان است. بنابراین، مؤلف بهره‌گیری از این یافته و تحلیل‌های بعدی برای برنامه‌ریزی و سامان‌دهی فضایی - مکانی این سرزمین (در هر یک از فضاها جغرافیایی این ناحیه و با توجه به توانمندیها و محدودیتهای محیطی آن) را در کتابی مستقل با نام *آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی محیطی در جنوب شرق ایران* آورده که، در واقع، مکمل این نوشتار است. بنابراین، آنچه در این کتاب آمده است، معرفی جغرافیایی کارکردهای طبیعی و انسانی سیستان و بلوچستان است که، عمدتاً، به بررسی و شناساندن بنیانهای جغرافیایی این ناحیه از جنوب شرق ایران می‌پردازد و مطالعه دقیق آن شناخت نسبتاً عمیق، دقیق و علمی به دانشجویان و کلیه علاقه‌مندان به استان سیستان و بلوچستان می‌دهد. مطالب این کتاب در نه فصل به شرح ذیل سازمان‌دهی شده است:

در فصل نخست، جایگاه جغرافیای ناحیه‌ای در مطالعات جغرافیایی مشخص شده است و سپس به ناحیه و مفهوم جغرافیایی آن، تحولات کارکردی مفهوم ناحیه، تعیین و تشخیص محدوده‌های ناحیه‌ای، کانونهای ناحیه‌ای، خرده‌نواحی و ویژگیهای آن، عوامل طبیعی و تقسیمات ناحیه‌ای، ناحیه و فرایندهای اقتصادی، ناحیه و فرایندهای اجتماعی، ناحیه و مناسبات فرهنگی، عوامل مؤثر بر تکامل ناحیه، و، نهایتاً، تحلیل سیستمهای ناحیه‌ای پرداخته شده است. در فصل دوم، ضمن بیان موقعیت جغرافیایی استان سیستان و بلوچستان و هر یک از شهرستانهای آن، به موضوعهای دیگری از جمله موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی استان سیستان و بلوچستان، مرزهای خشکی و آبی آن، وضعیت آب‌وهوایی آن، خشکی هوا و ناهمگونی آن در استان، جریانهای جوی، بادهای محلی، درجه حرارت، عناصر اقلیمی، بارندگی، و گونه‌های اقلیمی این استان توجه شده است. در فصل سوم، به وضعیت زمین‌شناسی، توپوگرافی، ژئومورفولوژی، پالئوژئولوژی، تکتونیک، ژئودینامیک، زلزله‌خیزی و گسلها، وضعیت خاک و قابلیت‌های اراضی استان (به تفکیک اراضی قابل کشت و زیر کشت)، وضعیت خاکهای بلوچستان، وضعیت اراضی و خاکهای دشت سیستان، و فرسایش خاک در استان پرداخته شده است. در

فصل چهارم، وضعیت منابع آب استان (شامل رودخانه‌ها، تالابها، چشمه‌های آب معدنی و گل‌فشانهای سیستان و بلوچستان) بررسی شده است. در فصل پنجم، وضعیت پوشش گیاهی، مراتع و جنگلها، وضعیت گونه‌های اندمیک، نخلستانهای استان و جنگلهای مانگرو، و وضعیت حیات وحش استان (که در آن، ضمن بررسی کلیات حیات وحش، به مطالعه خرس سیاه بلوچستان، پلنگ بلوچستان، سنجاب راه‌راه بلوچی، و گاندو یا کروکودیل پوزه کوتاه بلوچستان نیز، به طور ویژه، پرداخته شده است) بررسی شده است. در فصل ششم، جغرافیای تاریخی سیستان و بلوچستان به تفکیک جغرافیای تاریخی سیستان (شامل جایگاه تاریخی و ژئوپلیتیکی سیستان پیش از اسلام، جایگاه تاریخی و ژئوپلیتیکی سیستان پس از اسلام، و موقعیت ژئوپلیتیک سیستان و تحولات آن در دوران معاصر) و جغرافیای تاریخی بلوچستان (شامل بلوچستان در دوران باستان، بلوچستان بعد از اسلام، و بلوچستان و جایگاه ژئوپلیتیکی آن در دوره معاصر) بررسی شده است. در فصل هفتم، به مدنیت و شهرنشینی در سیستان و بلوچستان توجه شده و در آن مدنیت و شهرنشینی در سیستان باستان و بلوچستان باستان بررسی و سپس نظام شهرنشینی و تحولات آن، شبکه شهری در استان، سلسله‌مراتب شهری، سازمان فضایی شهرها، منطقه آزاد چابهار و نقش آن در گسترش شهری، و ارتباطات شهرهای سیستان و بلوچستان با افغانستان و پاکستان مطالعه شده است. در فصل هشتم، مشخصات جمعیتی استان سیستان و بلوچستان شامل روند تغییرات جمعیت استان، رشد جمعیت، تحولات جمعیتی در مناطق شهری و روستایی، ساخت سنی و جنسی جمعیت، تراکم جمعیت، سواد جمعیت، روند مهاجرت در استان، پیش‌بینی جمعیت آتی استان، و تحلیل تحولات جمعیت استان از ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ بررسی شده است. در فصل نهم، حمل‌ونقل در سیستان و بلوچستان شامل حمل‌ونقل هوایی، حمل‌ونقل ریلی، دلایل توجیهی اتصال ریلی چابهار به زاهدان، حمل‌ونقل جاده‌ای، و حمل‌ونقل دریایی در استان بررسی شده است.

بدیهی است که این اثر بی‌نقص نیست، لذا نویسنده از تمامی صاحب‌نظران،

به‌خصوص جغرافی‌دانان انتظار دارد که او را از رهنمودهای سازنده خویش بهره‌مند کنند تا در چاپهای بعدی بر غنای علمی این کتاب افزوده شود. در پایان، شایسته است تا از دوست و همکار ارجمندم، جناب آقای دکتر محمد حسن میرابی مقدم، که اطلاعات ارزشمندی در خصوص کارکردهای حمل‌ونقل سیستان و بلوچستان در اختیار اینجانب گذاشتند و همچنین همکار دیگرمان جناب آقای دکتر محمد بومری که در قسمت زمین‌شناسی اطلاعات ذی‌قیمتی را سخاوتمندانه ارائه نمودند، سپاس‌گزاری کنم. همچنین، از خانم سحر تیموری، که مسئولیت تایپ و صفحه‌آرایی اولیه و خانم ندا طاهری که مسئولیت ویرایش کتاب را بر عهده گرفتند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

دکتر عیسی ابراهیم‌زاده

دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان